

شروع کردم: «من جنایتکار نیستم. من بی گناهم، پاکستان و ایالات متحده آمریکا به من خیانت کرده اند. من چهار سال بدون هرگونه توجیه قانونی در بازداشت بودم. من این متن را تحت فشار می نویسم تا اعلام کنم در هیچ فعالیت خصمانه با ایالات متحده آمریکا یا در هیچ عملیات نظامی در آینده شرکت نخواهم کرد. والسلام»

شرکت نکند. در صورت تخلف زندانی از هر یک از مقررات فوق، مجددا دستگیر و به حبس ابد محکوم می شود». از خواندن متن شوکه شده بودم و کاغذ را برگرداندم و گفتم که من بی گناهم و جنایتکار نیستم. هیچ اتهامی که به من وارد شده بود را نپذیرفتم. اصرار می کردند که امضا کنم و من موافقت نمی کردم. سرانجام از من خواستند به جای آنچه روی کاغذ نوشته شده، آنچه را که صلاح می دانم بنویسم. شروع کردم: «من جنایتکار نیستم. من بی گناهم، پاکستان و ایالات متحده آمریکا به من خیانت کرده اند. من چهار سال بدون هرگونه توجیه قانونی در بازداشت بودم. من این متن را تحت فشار می نویسم تا اعلام کنم در هیچ فعالیت خصمانه با ایالات متحده آمریکا یا در هیچ عملیات نظامی در آینده شرکت نخواهم کرد. والسلام». مدتی گذشت و صلیب سرخ آمد و آزادی مرا تبریک گفت. برای خداحافظی پیش بقیه زندانیان برده شدم. از آزادی خود احساس شرمندگی می کردم در حالیکه برادران دینی من در بدترین شرایط زندگی می کنند. سوار هواپیما شدم. اولین بار بود که می توانستم تنهایی راه بروم. مسئولان از من خداحافظی کردند و چهار آمریکایی که به نظرم مأموران امنیتی بودند همراه من آمدند. به کابل رسیدیم. کابل بسیار تغییر کرده بود. پس از خروج از هواپیما سجده شکر به جا آوردم. چهار ماه خبری نبود تا اینکه دوباره سربازان آمریکایی ظهور کردند. به آنها گفتم که در گوانتانامو به من قول داده اند که دیگر در افغانستان بازجویی نشوم. کمی بعد یکی از آنهايي که در گوانتانامو با من ارتباط داشت به من تماس گرفت و خواست که جواب آنها را بدهم و آنها چند سوالی بیشتر ندارند و ماجرا تمام می شود. گفتم که شما اینجا مسائل زیادی دارید و پاسخ من به چند سوال پایان ماجرا نیست. دفعات متعددی اصرار کردند اما راضی نشدم.

## جنگی برای پیروزی ما وجود ندارد

داستان من و افغانستان هنوز تمام نشده است. ژوئن ۲۰۰۶ خبر شهادت سه زندانی در گوانتانامو به من رسید و قلب مرا شکست. شرایط مرگ این برادران درهاله ای از ابهام باقی ماند. آمریکایی ها ادعا کردند که آنها خودکشی کرده اند. ام می دانستیم که آنها دروغ می گویند. با این حال من هیچ کسی را در زندان نمی شناختم که از مشکلات روانی و روحی رنج نبرد. حتی اگر آنها خودکشی کرده بودند نیز مسئولیت شان با آمریکا بود.

افغانستان خانه هر افغانستانی است و خانه خانوادگی ماست که همه می ما حق زندگی در آن را داریم. مهمترین مسئله به نظر من حفظ کرامت افغانستان، چارچوب اسلامی و سنت های ملی آن است. تنها راه حل مشکلات ما احترام گذاشتن به ارزش های اسلامی است. افغانستان و ایالات متحده دشمنان سرسخت هستند. همچنان شناخت روند بحران دشوار است. چرا آمریکا همچنان در حال ریختن خون انسان هاست؟ چرا به نام اصول گرایی و تروریسم خانه ها را ویران می کنند؟ آیا امنیت را افزایش می دهند یا آغازگر جنگ جهانی سوم خواهند بود؟ هیچ کس نمی تواند با صلح در مقابل شمشیر بایستد و خون را با آب بشوید. شمشیر جز با شمشیر کنار زده نمی شود و صلح جز با صلح پاسخ داده